

چیستی و قلمرو آزادی در قرآن و فقه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

فاطمه رسولی کمالی^۱، زهرا کمالی^۲

چکیده

آزادی از مهمترین بحث‌های اسلامی و اجتماعی است و همواره مورد بحث همه متفکرین و اندیشمندان جهان اسلام بوده و برای اثبات این مفهوم به آیات قرآن و فقه تمسک شده است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای درصدد است نشان دهد که اسلام و مبانی فقهی آن یعنی، قرآن، فقه و بیانیه گام دوم نه تنها تعارضی با آزادی ندارد، بلکه قرن‌ها پیش از غربیان خود منادی و نظریه‌پرداز آزادی انسان بوده است. این درحالی است که غربی‌ها ادعا دارند اندیشه آزادی انسان‌ها ریشه در تفکر و ایدئولوژی‌های غربی دارد، اما با تمسک به منابع اسلامی نادرستی این ادعا روشن می‌شود. اندیشه اسلامی سال‌ها قبل از تحولات اجتماعی و سیاسی جهان غرب برخی از مبانی و اساس تفکر آزادی انسان‌ها را مطرح کرده است. در تحقیق حاضر با استخراج مبانی قرآنی و فقهی، آزادی با تأکید بر بیانیه گام دوم، حریم و محدوده آن بررسی شده است. دستاوردها و نتایج تحقیق عبارتند از: مفهوم آزادی، آزادی در قرآن و فقه، جایگاه آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب و آزادی‌های فردی.

واژگان کلیدی: آزادی، قرآن، فقه، بیانیه گام دوم، آزادی فردی.

۱. مقدمه

آزادی از مقوله‌هایی است که تحلیل‌ها و تعاریف گوناگونی از مکاتب فکری-مذهبی و ادیان آسمانی درباره آن صورت گرفته و دیدگاه‌ها و آرای متفاوتی در این باره بیان شده است. اسلام نیز

۱. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

دیدگاه‌های ویژه‌ای ارائه کرده است. برداشت‌های عمومی افراد جامعه اسلامی از آزادی این است که در دین اسلام آزادی جایگاهی ندارد و بسیاری از افراد، آزادی مدرن غربی را پیگیری و الگوگیری می‌کنند. آزادی از مفاهیم حیاتی و ارزشی در اسلام است که حقیقت ماهیت و قلمرو آن همواره مورد بحث و بررسی بوده است. قرآن که مهمترین مکتوب مسلمانان است در آیات متعدد به این موضوع اشاره دارد. در آیه «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) آزادی عقیده را بیان می‌کند که در کار دین اکراه نیست؛ زیرا راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است. آنچه از معنای حقیقی آزادی به دست می‌آید، این است که افراد در تصمیم خود برای کاری که انجام می‌دهند، آزاد باشند و در عمل نیز زیر سلطه دیگری نباشند. دلیل این برداشت‌های متعدد ریشه در تفاوت نگاه و مبانی نظری آزادی دارد. بسته به اینکه آزادی چه مبانی داشته باشد و با کدام چارچوب و تئوری نظری ارزیابی شود مفهوم و ماهیت آن نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین، برای درک درست مفهوم آزادی و ابعاد آن باید آزادی از منظر قرآن بررسی شود. آزادی غربی، مادی و حقوق بشر غربی در بین افراد و اقشار جامعه به ویژه جوانان توسعه یافته است. عدم شناخت افراد با مبانی آزادی اسلامی مشکلات متعددی در جامعه و حکومت ایجاد می‌کند و باید برای بازگرداندن جامعه به ارزش‌های مذهبی و احکام الهی تلاش کرد. در این مسیر بیش از هر چیز تبیین و تعریف مبانی و قلمرو این مسئله اولویت دارد.

۲. پیشینه تحقیق

با جست‌وجو در مورد آزادی به دست آمد که موضوع چیستی و قلمرو آزادی در قرآن و فقه با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب در کتب، رساله‌ها و مقالات با رویکردهای متفاوت بررسی شده است. کتاب آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از منوچهر محمدی در چهار فصل به موضوع آزادی می‌پردازد. فصل اول در مورد مفهوم آزادی است، فصل دوم درباره آزادی در اسلام از منظر آیات و روایات است. فصل سوم به مسئله آزادی در غرب اشاره کرده است. فصل

چهارم، تفاوت‌های آزادی در اسلام و غرب را بیان می‌کند. در این کتاب تنها در چند صفحه به صورت اجمالی و مختصر به آزادی در قرآن و روایات اشاره شده است.

رساله مفهوم آزادی از منظر قرآن کریم نوشته شریف لک‌زایی و نجمه کیخا در مورد امکان و امتناع آزادی براساس قرآن است و به مفهوم آزادی و آزادی سیاسی-اجتماعی اشاره می‌کند. در این کتاب از بسیاری نکات غفلت شده و به آزادی از نگاه فقه و روایات و آزادی از نگاه مقام معظم رهبری اشاره‌ای نشده است. در کنار مقالات مستقل در لابه‌لای کتب روایی و تفسیری، مطالب مهمی بیان شده است. مقاله بررسی آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد فقهی نوشته سکینه گنج‌خانلو با همکاری سید احمدرضا قاسمی که فقط با رویکرد فقهی به موضوع آزادی پرداخته و آزادی و استقلال سیاسی-اجتماعی در آن بحث و تحلیل شده است. مقاله رابطه دین و آزادی براساس آیه «لااکراه» در تفسیر مفاتیح‌الغیب و المیزان از فاطمه محمدی. این مقاله با وجود اینکه عبارت آزادی را دارد، اما آزادی در این مقاله فقط با توجه به یکی از آیات قرآن تحلیل شده و تنها به مفهوم‌شناسی آزادی و رابطه دین و آزادی براساس آیه «لااکراه» اشاره شده است. در این آثار، مباحث مربوط به آزادی فقط از منظر قرآنی و یا فقهی مطرح شده و رویکرد قرآنی آن نگاه مفهوم‌شناسی و رویکرد فقهی آن نگاه سیاسی و اجتماعی دارد. پژوهش حاضر تعیین یک رویکرد قرآنی و فقهی را برعهده دارد، پس لازم است که مبانی قرآنی، فقهی و قلمرو آزادی را در فقه و قرآن با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب بررسی کند.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. آزادی

آزادی در لغت‌نامه دهخدا به زبان فارسی در معانی متعددی مانند خلاف بندگی، اسارت، جبر، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب، رهایی، خلاص، شادی و خشنودی آمده است. در زبان عربی معادل واژه آزادی و اختیار، حریت و عتق است.

۳-۲. حریت

از دیگر معانی آزادی که در قرآن حریت است. راغب اصفهانی در فرهنگ خود ابتدا واژه حر را متضاد عبد تعریف می‌کند و می‌گوید: «حریت بر دو قسم است: اول در مورد شخصی که زیر سلطه هیچ قدرتی نیست و دوم در مورد شخصی که زیر سلطه صفات رذیله‌ای مانند حرص، آز، طمع، آرزوی مال و دارایی دنیایی نیست». ایشان برای معنای اول از آیه ۱۷۸ سوره بقره «الحر بالحر» و کلمه تحریر (ر.ک.، نساء: ۹۱) استفاده می‌کند. برای معنای دوم به ارائه تفسیری از کلمه محرر (ر.ک.، آل عمران: ۳۵) مبادرت می‌کند درحالی‌که در این آیه زن عمران فرزند در رحم خود را به خداوند «محرراً» اختصاص می‌دهد (میراحمدی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). باتوجه به این تعریف، حریت یعنی، افراد قدرت انتخاب داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها آزادانه انتخاب کنند. از معنای واژه حریت چنین برمی‌آید که در نقطه مقابل محدودیت و اجبار قرار دارد. از این رو، قرآن به نوعی بیانگر آزادی تکوینی انسان است نه آزادی تشریعی و به این معناست که راه درست از راه نادرست برای انسان مشخص شده و انتخاب هر یک به خود انسان واگذار شده است. انسان در عمل می‌تواند هر یک از این دو راه را انتخاب کند.

۴. آزادی در قرآن

در فرهنگ دینی و در تفکرات ناب فلسفی، انسان آزاد و مختار خلق شده است. این دو است که همیشه در جوار یکدیگر پیوسته تبیین می‌شوند و پیوستگی خود را نشان می‌دهند. تمام آیات الهی به وعده و وعید آزمایش الهی بشارت می‌دهد که اینها همه در سایه مختار بودن انسان مفهوم پیدا می‌کند. آیه ۱۰۴ سوره انعام مبین این مطلب است و می‌فرماید: «قد جاءکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ». خطابی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مشترکان است مبنی بر اینکه «شما در انتخاب راه خود مختار و آزاد هستید، اگر می‌خواهید از این حجت الهی کسب بصیرت کنید یا چشم خود را بر آن ببندید. فقط بدانید نتیجه این گزینش به خود شما برمی‌گردد». خداوند از ابتدای خلقت به انسان آزادی می‌دهد و سپس راه را نمایان

می‌کند و ابزار طی مسیر را در دسترس او قرار می‌دهد تا خود انسان تصمیم بگیرد، انتخاب کند و متعهد به انتخاب خود باشد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۷-۴۱۵).

«و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم». (اعراف: ۱۵۷) این آیه درباره شخصیت پیامبر ﷺ و از توصیفات است که درباره ایشان در قرآن به آن اشاره شده است. مطلب مهم این آیه این است که پیامبر ﷺ بندها را از پای انسان‌ها برمی‌دارد. آن غل و زنجیرهایی که به پای انسان‌ها سنگینی می‌کند و مانع از تحرک، پرواز، اوج گرفتن و تکامل آنها می‌شود را از گردن و پاهایشان باز می‌کند. عبارت «اص» در لغت به معنای ریسمان است که پایه خیمه را به وسیله آن با میخ به زمین می‌کوبند. تا زمانی که ریسمان‌ها به خیمه بسته است، خیمه نمی‌تواند تکان بخورد. انواع و اقسام تحویل‌ها، تبعیض‌ها، محدودیت‌ها، تلقین‌ها و تزریق‌هایی که امروز به صورت مدرن در دنیا مطرح است انسان‌ها را به صورت حیوان درمی‌آورد و انسان در بسیاری از جوامع غربی حیوان‌گونه زندگی می‌کند به دور از هرگونه خصوصیت انسانی. از این رو، انسان اسیر تمایلات پست مادی و تلقین‌ها و تبعیض‌هایی می‌شود که همان «اصر» است.

پیامبران وقتی وارد جامعه می‌شوند نخستین هدفشان رهایی انسان‌ها از قفل و زنجیرهاست و آزادی این‌گونه در متون اسلامی و قرآن آمده است. (سعادت‌ی فرد، ۱۳۹۹، ص ۲۶) آیه دیگری در قرآن به آزادی اشاره دارد و می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الانعبد الا الله ولا نشرك به شیئا ولا یتخذ بعضاً ارباباً من دون الله؛ بگو اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیاوریم و هیچ‌کس از ما دیگران را به جای خداوند به خدایی برنگیرد» (آل عمران: ۶۴). یکی از مقاصد انبیا به‌طور قطع این است که آزادی اجتماعی را تأمین کنند و با انواع بندگی‌ها و بردگی‌های اجتماعی و سلب آزادی که در اجتماع است، مبارزه کنند. «در مقام پرستش خدای یگانه چه چیزی را پرستش کنیم نه مسیح را و نه اهریمن را و اینکه هیچ‌کدام از ما دیگری را بنده و برده خودش نداند و هیچ‌کس هم یک نفر دیگر را ارباب و آقای خودش نداند؛ یعنی نظام آقایی و نوکری ملغا، نظام استثمار ملغا،

نظام لامساوات ملغا، هیچ کس حق استعمار و استعباد دیگری را نداشته باشد» (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۷).

۵. جایگاه آزادی در فقه

بحث آزادی در فقه به صورت موضوع مستقلى مطرح نشده است، بلکه فقها آن را در کنار موضوعات و عناوین مختلف فقه مانند امر به معروف، جهاد و قضا آورده‌اند. مهمترین علت آن، مطرح نبودن آزادی در قالب موضوع مستقل علمى، حقوقى و سیاسى در سده‌های گذشته است. علت دیگر آن، نبود حکومت دینى است تا فقها به تبیین مسائل حکومتى آن مانند آزادی بپردازند. عدم پیشینه علمى مسائل سیاسى و اجتماعى در علم فقه به ویژه فقه شیعه، خلأ علمى است که امروزه فقدان آن به شدت احساس مى‌شود. (قدردان قراملکى، ۱۳۸۲، ص ۴۵) اینکه چرا بعد از طرح و بسط بحث‌های حقوق طبیعى به ویژه آزادی در مغرب‌زمین فقها توجهی به این مسائل نکرده‌اند تحلیل مبسوطى مى‌طلبد که از مجال پژوهش حاضر خارج است.

برخی معتقدند تعارض مسیحیت با حقوق انسانى در قرون وسطى دلیل شکوفایى و رویکرد غربیان است که آن مسئله در اسلام مطرح نیست. علت دیگر توجه نکردن فقها به مسئله آزادی، عدم تأیید و تعارض آن با مبانى اسلامى است. علت سوم که اثرگذار هم بود رویگردانى فقها از مسائل سیاسى و اجتماعى و توجه به احکام فرعى فردى است که به تبع مسئله آزادی نیز مورد غفلت واقع شد. نمى‌توان این توجیهاات را قانع‌کننده دانست. عدم پیشینه علمى مسائل سیاسى و اجتماعى در علم فقه به ویژه فقه شیعه، خلأ علمى است که امروزه فقدان آن به شدت احساس مى‌شود. انقلاب مشروطه و انشعاب فقها به دو گروه طرفدار و مخالف آن نقطه عطفى بود که فقهای معاصر را درگیر مسائل سیاسى و اجتماعى کرد و آنها تلاش کردند مسائل مورد ابتلا مانند آزادی را با توجه به مبانى فقهى اثبات یا رد کنند. همچنان شکوفایى طرح و بسط مباحث فقه سیاسى اسلام را می‌توان با تأسیس نظام جمهورى اسلامى به دست فقیهى برجسته مشاهده کرد. بنابراین، با وجود خلأ علمى مبحث آزادی در فقه مى‌توان اصول و مبانى آن را از لابه‌لای مباحث مختلف فقهى

استخراج کرد و نشان داد که اسلام و فقه در عرصه‌های مختلف به مسئله آزادی توجه داشته‌اند و بین دین و فقه با آزادی تلائم وجود دارد.

فقه در عرصه آزادی‌های فردی، اصل آزادی حیات آدمی و کرامت آن‌را محترم شمرده است. با توجه به این اصل و براساس قاعده لاضرر، اصل اضرار انسان به خود و دیگران، خودکشی و ترور را تحریم کرده است. یکی از راهکارهای مقابله با بردگی، وضع حکم و جوب آزادی برده در قالب کفاره برخی محرمات است. فقه در عرصه اقتصاد، اصل مالکیت فردی و مالکیت انسان بر دارایی‌های خود را تأیید کرده است: «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم». همچنین فقه، مداخله دولت در اموال مردم را به حداقل مقرر کرده است. برای مثال در شرایط عادی دولت نمی‌تواند فروشنده و صاحب مال را مجبور به قیمت‌گذاری مال التجاره کند. همچنین بیشتر معاملات عرفی را تأیید کرده و تنها برخی معاملات مانند معاملات ربوی و خرید و فروش اجناس نجس مثل شراب را تحریم کرده است. فقه در عرصه مسائل امنیتی و قضایی، اصل و مبنا را بر برائت گذاشته و بازداشت بدون دلیل قانع‌کننده را برنمی‌تابد و اجرای حدود و کیفر متخلفان را تنها در صلاحیت حکومت و مقام قضایی می‌داند و در موارد، شبهه حکم بر رفع حدود می‌دهد: «الحدود تدفع بالشبهات».

فقه در عرصه دفاع و جنگ، اسلام را دین صلح معرفی می‌کند و هرگونه جنگ و جهاد برای چپاول حقوق مردم و کشورگشایی را محکوم می‌کند. جهاد ابتدایی در عصر امام معصوم تنها با اذن خاص وی امکان‌پذیر است و در عصر غیبت، مبنی و مشروعیت ندارد، البته مؤمنان در مقام دفاع می‌توانند و بلکه واجب است با مهاجمان مقابله کنند. سیاست و فقه در عرصه اجتماع، پیروان ادیان دیگر را ملزم به پذیرفتن اسلام نمی‌کند؛ زیرا دین اکراه‌بردار نیست: «لا اکراه فی الدین» و آزادی‌های اجتماعی مخالفان را در قالب شهروند به رسمیت می‌شناسد. باید این مهم را به یاد داشت که در منابع دینی سمت و سوگیری‌های بسیار روشنی نسبت به موضوع آزادی وجود دارد که اگر کسی به آنها توجه کند نمی‌تواند بپذیرد که با وجود این رهنمودها در اسلام، آزادی در این دین جایگاهی ندارد و ضرورتی برای وجود آزادی نیست. درک آزادی نیازمند شاهد و دلیل نیست و هر انسانی با طبع سلیم خود درمی‌یابد که بدون آزادی هویتی ندارد. هر ارزش و کمالی در سایه حق

انتخاب و انسانیت انسان ظهور می‌یابد، پس به شیوه اولی نیاز فطری انسان به آزادی در اسلام انکارشدنی است. (اسحاقی، ۱۳۸۴، ص ۴۷)

شهید مطهری آزادی را این‌گونه تعریف می‌کند: «بشر باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد جامعه آزادی داشته باشد دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشد، او را محبوس نکند که جلوی فعالیتش گرفته شود، دیگران او را استعمار نکنند، استعداد نکنند؛ یعنی تمام قوای فکری و جسمی او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند». (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۴) در ساده‌ترین تعریف آزادی می‌توان به نبود مانع و جلوگیری اشاره کرد. آزادی، قدرت داشتن برای انجام عمل هر کاری است که به دیگران آسیب نزند (میراحمدی، ۱۳۷۹، ص ۷۳). برای مثال، آزادی در نوع پوشش زن، شراب خواری علنی و بی‌بندوباری جنسی آیا به دیگران ضرر می‌رساند. در تصور مذهب‌یون، آزادی در پوشش و لباس و برهنگی موجب ترویج بی‌بندوباری و تحریک جوانان می‌شود و به اخلاق جامعه آسیب می‌رساند. بنابراین، به جامعه زیان وارد می‌شود. آزادی جنسی، فرهنگ و اخلاق و معنویت جامعه را زیان بار می‌کند. ازطرفی برخی از آزادی‌ها زمینه تفسیرپذیری میان صاحبان قدرت را فراهم می‌کنند. برای مثال، طنزنویسی، کاریکاتور و نقاشی شخصیت‌های مهم کشوری از مصادیق زیان به دیگران شمرده می‌شود؛ زیرا تحقیرآمیز است (ایازی، ۱۳۷۹، ص ۲۱).

وقتی سخن از آزادی به میان می‌آید دو معنای متفاوت به ذهن می‌رسد. یکی آزادی در قالب واقعیت انسانی و دیگری آزادی به منزله حق، آزادی مدنی و آزادی انسانی. آزادی در قالب واقعیت به خودی خود موجود است و انسان‌ها به صرف انسان بودن واجد آن هستند و نمی‌توان انسانی را فرض کرد که انسان باشد و این آزادی و اختیار به معنای فلسفی و کلامی را نداشته باشد. در مباحث اجتماعی این نوع آزادی مورد نظر نیست. اگرچه بر مبنای آزادی اجتماعی مورد توجه باشد. بر همین اساس هیچ حکومت و حزبی نمی‌تواند چنین آزادی را سلب یا اعطا کند؛ زیرا انسان به صرف انسان بودن، واجد چنین آزادی است و سلب آن سلب انسانیت آدمی است و شخصیت انسانی در گرو اختیار است. اصل مختار بودن انسان، موهبتی الهی و غیرقابل برگشت است. انسان مجبور به اختیار است و شخصیت و زندگی او را اراده و اختیار تشکیل می‌دهد. اگرچه دولت‌ها می‌توانند

مواردی از اختیار انسان را محدود کنند، اما در دادن این نوع آزادی هیچ حکومتی سهمی نمی‌تواند داشته باشد. ازمین رو، آنچه درباره آزادی مطرح می‌شود یک بار به این معناست که آزادی و اختیار میان انسان و خداست؛ یعنی اموری که به رابطه انسان و خدا مربوط است و تکالیفی که خداوند از انسان می‌خواهد.

خداوند انسان را آفریده است و قدرت انتخاب به او داده و برای کارهای خوب و بد او پاداش و عقاب تعیین کرده، اما انتخاب‌گر اصلی انسان است. به تعبیر قرآن هردو راه را با وسایل امداد و کمک فراهم کرده است. آزادی به معنای واقعیت انسانی اینچنین می‌شود که در ساختار و تکوین انسان خدا نخواست است که انسان با جبر و بی‌ارادگی به کار نیک رو آورده و از روی ترس و تهدید از عقیده‌ای صرف نظر کند. او را انتخاب‌گر قرار داده است، اما در آزادی اجتماعی که مرتبط با جامعه است رعایت حقوق دیگران نسبت به این آزادی مطرح است در واقع این آزادی نامحدود است تا آنجا که دیگران را متضرر نکند. به همین دلیل، آزادی انسان‌ها در اجتماع حقوق یک طرفی نیست، بلکه طرفینی است. عمل فرد نباید خلاف حقوق دیگران باشد. (ایازی، ۱۳۷۹، ص ۲۲)

با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری آزادی را هستی‌شناسی می‌داند و می‌فرماید: «آزادی یک امر ضروری در شمار حقوق طبیعی و اولیه بشری می‌باشد که ازسوی دولت‌ها به شهروندان اعطا نشده است، بلکه آزادی نعمتی از طرف خداوند است که در اسلام مبانی اصلی آن انسان و توحید است. در قرآن و احادیث و سیره پیامبر و امامان، شیعه رهنمودهای شفاف و مهمی در ضرورت آزادی اندیشه، آزادی بیان و آزادی سیاسی دارد که در جای خود باید طرح شود. اسلام انسان را موجودی با ویژگی‌های روحی معین و بااراده و حق انتخاب می‌داند و ارزیابی کارهای او را براساس قدرت تصمیم‌گیری و اختیارش بنا می‌نهد. همچنین انسان را موجودی حقیقت‌طلب، خیرخواه و کمال‌جو معرفی می‌کند که به‌طور ذاتی از بدی‌ها نفرت دارد. اسلام به حق حیات مادی و معنوی برای همه انسان‌ها چه مسلمان چه نامسلمان باور دارد و مهمتر اینکه نسبت به ادیان دیگر نوعی تساهل و تسامح‌رومی دارد. این دین به مسلمانان دستور می‌دهد که اداره زندگی، تشخیص نیازها و درک حق و باطل را با حجت باطنی خود یعنی، عقل

انجام دهند. چنین اصول و رهنمودهایی نمی‌تواند بدون توجه به مسئله آزادی باشد آن هم آزادی که وسیله کمال انسان و رشد و ارتقای اوست.

۶. تعریف آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب

مفهوم آزادی انسان قرن‌ها پیش از آنکه متفکرین، روشنفکران، انقلابیون و رهبران اروپایی به فکر بیفتند که آزادی بشر را یکی از حقوق اساسی او بدانند در اسلام مطرح شده است. مقام معظم رهبری، آزادی را امری ضروری و از حقوق طبیعی و اولیه بشری می‌داند که ازسوی دولت‌ها به شهروندان اعطا نشده، بلکه نعمتی ازطرف خداست. مبنای اصلی آزادی انسان در اسلام توحید است. ایشان باتوجه به آیه معروف سوره اعراف می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا فِي الْتَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». این واضح‌ترین آیه در قرآن برای آزادی است که عبارت «اصر» را برمی‌دارد. «اصر» طناب‌هایی است که به پایه خیمه می‌بندند تا باد آن را نبرد؛ یعنی آن را متصل می‌کند به زمین «ولکنه اخلد الی الارض»؛ این «اخلاذ الی الارض» است، اما «اصر ما» آن چیزهایی است که ما را می‌چسباند به زمین، مانع پرواز می‌شود. «غل» هم که غل است، دیگر غل و زنجیر است که پیغمبر آمده است غل و زنجیر را بردارد. در همین آیه قبل از آنکه عبارت «يَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» را بگویند می‌گویند «و يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ». خب، حلال و حرام یعنی چه؟ حلال و حرام یعنی، حد گذاشتن و منع کردن. ممنوعیت همراهش است. از وجود محدودیت و ممنوعیت در ذهنمان هنگامی که راجع به آزادی بحث می‌کنیم اصلاً ابا نداشته باشی» (مقام معظم رهبری، چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی).

۷. آزادی فردی

آزادی‌های فردی به آزادی‌هایی می‌گویند که انسان به صرف انسان بودن آنها را دارد و دیگران حق تحدید یا سلب آن را ندارند. آزادی‌های فردی عبارت از قدرت‌هایی است که برای فرد شناخته شده است برای اینکه فرد با استفاده از آن قدرت‌ها بتواند هرچه در قوه دارد به فعل تبدیل کند و نیروهایی که در وجود او نهاده شده است را نمایان کند. انسان به مجرد تولد، این حقوق و آزادی را دارد و جزو صفات لاینفک انسانی است. اندیشمندان اسلامی معتقدند که خداوند این حقوق را به انسان داده است. از آنجاکه فرد پیش از اجتماع واجد این حقوق است دیگران از افراد حقیقی و حقوقی توان سلب آن را ندارند مگر در شرایط خاص. آزادی حق حیات (حرمت خودکشی، حرمت سقط جنین و حرمت قتل)، حق مالکیت، آزادی مذهب، دین و عقیده نیز جزو آزادی‌های فردی است. (شیرخانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، آزادی فردی را این‌گونه تبیین می‌کند: «در فرهنگ غربی که قانون مرز آزادی را معین می‌کند این قانون ناظر به مسائل اجتماعی است. بدین معنی که قانون می‌گوید آزادی هیچ انسانی نباید آزادی دیگران را تهدید کند و منافع آنها را به خطر بیندازد. در حالی که اسلام به انسان می‌گوید که استفاده از آزادی علاوه بر اینکه باید آزادی دیگران را به خطر نیندازد و منافع جامعه و دیگران را تهدید نکند باید منافع خود آن شخص را به خطر بیندازد و یک انسان نباید به بهانه آزاد بودن، حقوق دیگران و منافع شخص خودش را هم به خطر بیندازد و ضرر ببیند. بنابراین، ضرر زدن به خود در اسلام ممنوع است و هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که من آزادم، پس اموال خود و جان خود را نابود می‌کنم. این یک مرز اساسی بین آزادی از دیدگاه اسلام و آزادی‌های دیگر در فرهنگ‌های بشری است. بنابراین، در اسلام انظلام هم جایز نیست؛ یعنی زیر بار زور رفتن هم ولو به خود یک شخص مربوط بشود، حرام است. در اسلام عمل نکردن به واجبات و نیامودن راه تکامل، خودکشی، خودزنی، آزاررسانی به خود و دیگران ممنوع و حرام است.» (سعادت‌ی فرد، ۱۳۹۹، ص ۵۹)

۸. مبانی قرآنی و فقهی آزادی حیات

۸-۱. قرآن

یکی از توصیفات قرآن در مورد انسان که می‌تواند مبنای آزادی او باشد حق حیات است؛ زیرا زندگی اساسی‌ترین هدیه‌ای است که به انسان‌ها اعطا شده است. بنابراین، با مطالعه قرآن روشن می‌شود که انسان بذاته کرامت و ارزش دارد. قرآن در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم». چون انسان خلیفه الهی در زمین است و غایت و هدفی فراطبیعی در زندگی دارد و خلقت وی نیز برای نیل بدان است و خداوند نیز امکانات و نعمت‌هایی را برای رسیدن به آن مطلوب در اختیار انسان قرار داده است، پس انسان واجد حق حیات است و خود انسان و دیگران نمی‌توانند این حق فطری و الهی را از او بگیرند. درباره سلب حق حیات انسان تعبیر عامی در آیه ۳۲ سوره مائده آمده است که همه انسان‌ها را شامل می‌شود: «من قتل نفساً بغير نفس او فساداً فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً؛ هرکس انسانی را جز به دلیل کیفری یا قتل دیگری بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد. اینکه در اسلام از کشتار انسان‌ها شدیداً مذمت شده نشان از اهمیت حیات انسانی است» (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۶۷). انسانی که حق حیات دارد هیچ‌کس نمی‌تواند او را بکشد و سلب حیات کند. قتل بدون دلیل حرمت دارد (شیرخانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶).

۸-۲. فقه

یکی از مبانی آزادی در علم فقه حق حیات است. حق حیات و زندگی یکی از حقوق فطری و طبیعی انسان است و این حق اساس حقوق و آزادی‌های فردی دیگر است؛ زیرا همه حقوق و آزادی‌ها در گرو زنده بودن انسان است. در کتاب‌های اندیشمندان به کرات از این حق سخن آمده و حفظ حیات انسانی و عدم تجاوز به غیر نه تنها بر فرد لازم و ضروری است، بلکه هر حکومتی مکلف است که به زندگی افراد جامعه خود احترام بگذارد و برای حفظ آن از تجاوز، اهتمام و سعی وافر داشته باشد. (شیرخانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵) مسئله حیات فرد به عنوان حق الهی در علم فقه، اصلی مسلم



است که در مورد آن مخالفتی صورت نگرفته است، بلکه مباحث فقهی بر این حق متمرکز شده است. مبنی و ملاک احکامی مانند حرمت قتل دیگران، خودکشی و حرمت سقط جنین که مورد اتفاق فقهاست، الهی بودن حق حیات فرد است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

۸-۳. بیانیه گام دوم

براساس بیانیه گام دوم انقلاب، حفظ خود و حفظ حقوق خود یک واجب است. قرآن به انسان‌ها می‌فرماید: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا؛ جان خودتان را، وجود خودتان را و همین‌طور اهل خود را یعنی، کسانی که تحت تأثیر شما هستند، حفظ کنید. نگذارید به مجازات الهی مبتلا شوند»؛ «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ برعهده شما حفظ نفوس خود شماست». در اسلام، انسان در اموری مانند وارد کردن ضربه به خود و نابودی حقی ندارد (سعادت‌ی فرد، ۱۳۹۹، ص ۶۰).

۸-۴. حرمت قتل

با مطالعه قرآن روشن می‌شود که انسان به‌ذاته کرامت و ارزش دارد. با تمسک به آیه ۷۰ سوره اسراء، بی‌دلیل کشتن انسان از گناهان بزرگ است: «و من یقتل مومنّاً متعمداً فجزاءه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعد له عذاباً عظیماً؛ و هرکس عمداً مؤمنی را بکشد کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و خدا بر او خشم می‌گیرد و از رحمت الهی او را دور می‌گرداند و عذابی بزرگ برایش آماده می‌سازد» (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

۸-۵. حرمت خودکشی

۸-۵-۱. قرآن

حیات آدمی نعمتی الهی است که خداوند آن را برای تکامل و صعود به مقامات عالی به انسان داده است. از این رو، نه‌تنها دیگران نمی‌توانند سد راه این نعمت الهی شوند، بلکه خود شخص نیز مکلف به پاسداری و صیانت از آن است. براین اساس، خودکشی فعلی حرام است. مبنای این حکم، قرآن، روایات و فقه است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ عَدُوًّا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُضَلِّیْهِ نَارًا» (نساء: ۲۹ و ۳۰). (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

۸-۵-۲. روایات

أبی‌ولاد می‌گوید که از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا؛ هرکس عمداً خودکشی بکند همیشه در دوزخ خواهد بود». (صدوق، ۱۳۶۳، ۹۵/۴) رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا عُذِّبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که به وسیله چیزی از دنیا خودکشی کند در روز قیامت به وسیله همان چیز عذاب خواهد شد» (المتقی الهمدی، ۱۴۰۹، ق، ۳۹۹۶۵).

۸-۵-۳. بیانیه گام دوم

انسان به بهانه آزاد بودن و اختیار داشتن حق ندارد به خود ضرر برساند. ضرر زدن به خود در اسلام و خودکشی ممنوع است. براساس تفکر اسلامی هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید «من آزادم، پس اموال خودم را از بین می‌برم، جان خودم را نابود می‌کنم یا به سلامتی خودم ضرر می‌زنم». خودزنی و خودآزاری ممنوع و حرام است. انسان نمی‌تواند بگوید «من اختیار خودم را دارم و به اختیار خودم می‌خواهم آزادی خودم را سلب کنم».

۹. مبانی فقهی و قرآنی آزادی عقید

مقصود از آزادی عقیده، آزادی انسان در انتخاب ایده و نظری از میان نظریات و آرای مختلف در مقولات گوناگون است. انسان در مواجهه با یک موضوع در بادی نظر موضعی را اتخاذ کند که پس از تحلیل و مقایسه آن با آرای دیگر ممکن است موضع خود را حفظ یا از آن عدول کرده و عقیده دیگری اتخاذ کند.

۹-۱. قرآن مجید

در فرهنگ دینی، حتی تفکرات ناب فلسفی، انسان ابتدا آزاد و مختار خلق شده است. از تأمل عمیق روشن می‌شود که تمام آیات الهی به وعده و وعید آزمایش الهی بشارت و انذار اشاره می‌کند و اینها همه در سایه مختار بودن انسان مفهوم پیدا می‌کند. آیه ۱۰۴ سوره انعام مبین این مطلب است و می‌فرماید: «قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه ومن عمى فعليها وما انا عليكم

بحفیظ». این آیه خطابى ازسوى پیامبر اکرم ﷺ به مشترکان است مبنى بر اینکه شما در انتخاب راه خود مختار و آزاد هستید. اگر مى خواهيد از این حجت الهى کسب بصیرت کنید یا چشم خود را بر آن ببندید فقط بدانید نتیجه این گزینش به خود شما برمی گردد. خداوند از ابتدای خلقت انسان آزادی مى دهد و سپس راه را نمایان مى کند و ابزار طى مسیر را در دسترس او قرار مى دهد تا خود انسان تصمیم بگیرد و انتخاب کند و متعهد به انتخاب خود نیز باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۷-۴۱۵)

آیه ۲۵۶ سوره بقره به نفى اکراه و اجبار در دین اشاره دارد و مى فرماید: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ وقتی دلایل دین روشن شد دیگر ضرورتى به اکراه و اجبار نیست». براین اساس، آزادی عقیده امرى اجبارى و غیرارادى نیست؛ زیرا حقیقت روشن است، راه هدایت و رشد روشن و راه ضلالت و گمراهی مشخص شده است. پس انسان در پذیرش ایمان و کفر، آزاد و مخیر است. هرکس مى تواند این راه را انتخاب کند یا آن راه را. البته این گونه هم نیست که چون اجبار و اکراهی در ایمان آوردنشان نیست، بتوانند از مالکیت و سیطره الهى خارج شوند زیرا اگر بتوانند به ریسمان الهى چنگ بزنند، زمینه هدایت آنها و نجات از تاریکی ها به سوى نور را برای آنها هموار مى کند و به عکس، کسانی که با آن همه ادله روشن و واضح باز هم کفر ورزیده اند براساس همان شریعت الهى از روشنایی به سوى تاریکی سوق داده مى شوند. پس انسان قدرت انتخاب و اختیار دارد و در افعال بدنى آزاد است، اما در نتیجه و ثمره انتخابات هیچ قدرتى ندارد و تابع سنت الهى است. (فخرزى، ۱۴۲۰، ۱۵/۳)

۹-۲. فقه

امام على عليه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر در مورد آزادی عقیده این گونه متذکر مى شود: «قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان مباش که آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو گروه بیش نیستند؛ یا برادران دینی تو هستند و یا انسان هایی همچون تو. گاه از آنها لغزش و خطا سر می زند. ناراحتی هایی به آنان عارض

می‌گردد، به دست آنان عمداً یا به طور اشتباه کارهایی انجام می‌شود. در این موارد از عفو و گذشت خود آن مقدار به آنها عطا کن که دوست داری خداوند به تو عنایت کند. ایشان در اینجا به همه آنان که دین، مذاهب و آیینی غیر از اسلام دارند توجه داده و همه را در خور رفتار و سلوک، شایسته حکومت اسلامی براساس رحمت و ملایمت دانسته است.» (بهادری، ۱۳۹۲، ص ۱۴)

۹-۳. بیانیه گام دوم

در بیانیه گام دوم در مورد آزادی عقیده آمده است: «اگر کسی وظیفه اسلامی و قلبی خود را انجام نداد و یک عقیده باطلی را به عنوان اعتقاد خود انتخاب کرد اسلام با این‌گونه افراد چگونه رفتار می‌کند. آیا در برابر او به زور متوسل می‌شود که باید از عقیده خود برگردد یا شمشیر را بالای سر او می‌گیرد که باید به عقیده حق ایمان بیاورد. او را از حق حیات و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی محروم می‌کند؟ نه. اسلام هرچند آن عقیده را قبول ندارد و آن را ناجایز می‌داند، اما دارنده عقیده باطل و غلط را نه فقط از حق حیات محروم نمی‌کند، بلکه از حقوق اجتماعی هم در حد مقررات و چارچوب‌های آن جامعه محروم نمی‌کند. این مطلبی است که ما هم در آیات قرآن، هم در سیره پیغمبر و تاریخ صدر اسلام به روشنی آن را مشاهده می‌کنیم. آزادی عقیده به این معناست که هیچ‌کس در جامعه اسلامی به دلیل عقیده باطل و غلط خود زیر فشار قرار نمی‌گیرد. آنچه مورد فشار و تحمیل قرار می‌گیرد عمل و منش انسانی است، نه عقیده قلبی. اساساً عقیده زور بردار نیست، بلکه عقیده را با ابزار خودش می‌شود تغییر داد یا در کسی ایجاد کرد. بنابراین، عقیده در اسلام آزاد است و این آزادی عقیده به این معنا نیست که اسلام اجازه می‌دهد و جایز می‌شمارد و روا می‌داند که انسان‌ها از عقیده حق و بینش درست منحرف بشود و یک اعتقاد غلط و نادرست را در قلب و فکر خود بپذیرد. بنابراین، اگر شخصی عقاید حق را قبول ندارد و براساس عقاید خود عمل نکند، اما آن عمل که به حیثیت جامعه اسلامی، به سلامت جامعه، به یکپارچگی و دیگر مصالح جامعه ضربه‌ای نزند، اشکالی ندارد و اسلام کسی را به زور و اجبار وادار به پذیرفتن یک عقیده‌ای یا اعراضی از یک عقیده‌ای نمی‌کند. بنابراین، در جامعه اسلامی، یهودیان، مسیحیان،

زردشتیان، صابئیان و دیگر مذاهب که مسلمان نیستند از حقوق خودشان استفاده می‌کنند و براساس اصل بیست‌وسوم قانون اساسی اینها آزاد در عقیده خود هستند و عقیده در جامعه اسلامی و بنابر اسلام ممنوع نیست، اما از اینکه آن عقیده غلط و باطل منشأ فساد در جامعه بشود، جلوگیری می‌کند». (سعادت‌ی فرد، ۱۳۹۹، ص ۷۵ و ۶۹)

۱۰. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مفهوم آزادی در قرآن، فقه و بیانیه گام دوم انقلاب بررسی شد. در فرهنگ دینی، حتی تفکرات ناب فلسفی، انسان آزاد و مختار آفریده شده است. فقهای بسیاری با تأکید بر قرآن به مختار بودن انسان اشاره کرده‌اند. آزادی در اسلام به معنی رهایی از قید عبودیت‌ها، اسارت‌ها و سلطه‌ها و ارزش دادن به اراده انسان است. براساس بیانیه گام دوم انقلاب امام خامنه‌ای، آزادی غیر از بی‌بندوباری است. آزادی غیر از گمراه کردن افراد و اغواگری است. آزادی غیر از خودرأیی و خودکامگی است. آزادی غیر از این است که هرکس هر کاری دلش خواست، انجام دهد هرچند با چهارچوب‌های پذیرفته شده جامعه، حقوق جامعه و حقوق افراد دیگر در تضاد باشد. آیات و روایات اسلامی مبین این است که آزادی درست با همین مفهوم کلی در اسلام سابقه دارد، بلکه در ادیان دیگر هم وجود دارد، ولی مفهوم آزادی صددرصد منطبق با آزادی اسلامی نیست. آزادی اسلامی دامنه وسیع‌تری دارد. در یک جاده دقیق‌تر و حساس‌تر است. بنابر نظریه شهید مطهری، آزادی یعنی اینکه انسان از قید و بندهایی که جلو رشد و تکامل و فعالیت‌های او به سوی کمال را می‌گیرد، رها باشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. اسحاقی، حسین (۱۳۸۴). آزادی در اسلام و غرب. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰). آزادی در قرآن. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۳. بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۲). نگاهی به آزادی، راهکارهای تأمین و محدودیت‌های آن در سیره امیرالمؤمنین (ع). نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۲(۴)، ۷۱-۸۸.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۹۸۶ م). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث.

۵. سعادت‌نی فرد، محمدرضا (۱۳۹۹). آزادی یعنی، آزادی. قم: خط مقدم.
۶. شیرخانی، علی (۱۳۸۶). آزادی از نگاه اسلام شیعی. تهران: انتشارات اسناد انقلاب اسلامی.
۷. طاهری، مهدی (۱۴۰۰). مبانی فقهی آزادی و ابعاد آن. نشریه یافته‌های فقهی معارفی، شماره ۲، ۳-۱۸.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. عربشاهی مقدم، عبدالمهدی (۱۳۹۳). مبانی فقهی اسلام و آزادی‌های سیاسی-اجتماعی. نشریه علمی-پژوهشی، (۷)۲، ۱۱۹-۱۳۶.
۱۰. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۱. قدردان ملکی، محمدحسن (۱۳۸۲). آزادی در فقه و حدود آن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. گنج خانلو، سکینه، و قاسمی، سید احمدرضا (۱۴۰۰). بررسی آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد فقهی. نشریه دانش‌های قرآنی در گام دوم، شماره ۱۶۸، ۱۶۷-۱۸۹.
۱۳. لک‌زایی، شریف، و کیخا، نجمه (۱۳۹۴). بررسی مفهوم آزادی از منظر قرآن کریم. نشریه یافته‌های فقهی معارفی، (۴)۲، ۸۹-۱۶۶.
۱۴. محمدی، فاطمه، سبحانی چگینی، فرزانه، و ریاحی، زینب (۱۴۰۰). رابطه دین و آزادی براساس آیه «لااکراه» در تفسیر مفاتیح الغیب و المیزان. نشریه علمی-تخصصی مطالعات قرآنی نامه جامعه، ۱۹(۳۸)، ۳۷-۵۷.
۱۵. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). انسان کامل. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
۱۸. میراحمدی، منصور (۱۳۸۷). مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان. قم: مؤسسه بوستان کتاب.